

رفقای حزب!

دست بردن علی جوادی به اساسنامه یک حزب دیگر را میپذیرید؟

اسد گلچینی

۱۷ آگوست ۰۴

تصور کنید اگر این وضعیت کنونی حزب را اجازه میدادیم ۲ سال قبل اتفاق می افتاد. کل حزب و تک تک ما به جای همه فعالیت‌هایمان که جامعه را تحت تاثیر گذاشت به انقلاب ایدئولوژیکی که علی جوادی و رفقایش راه انداخته اند میپرداختیم، چه اتفاقی می افتاد؟ خیلی ساده حزب از صحنه سیاست و از قرار گرفتن به عنوان راس و رهبر رادیکالیسم و چپ در جامعه حذف میشد. این اتفاق نیفتاد(و ما در درون حزب اختلافات امروز را هم داشتیم).

تک تک فعالیت‌های حزب و همه رفقا متوقف میشد اگر آنزمان چنین وضعیتی داشتیم، وضعیتی که امروز به حزب تحمیل کرده اند تا مخالفان سیاسی خود را از میدان بدر کنند. اگر ۲ سال قبل در شرایط امروز بودیم آیا خود علی و آذر مدرسی میتوانستند تظاهرات لوس انجلس را رهبری کند، ثریا شهابی در کانادا سخنران تظاهرات هزاران نفره باشد و... و مظفر و عبدالله و مجید و سلام زیجی رغبتی میکردند حزب را در راس نبرد با جمهوری اسلامی بکشانند و مردم را متوجه حزب کنند؟ و... یا اجازه میدادیم کنگره بیشتر از آنچه بود محل جست و خیز علی و دوستانش میبود، همین بلایی که امروز بر سر حزب آمده را آن زمان وارد میکردند.

علی و برخی از رفقای آن طرف، دیگر چشم بسته و دهان باز میکنند. دارند واقعا روز روشن چشم بندی میکنند و انگار کادر و عضو این حزب غلام حلقه بگوش آنهاست و انگار باید تمام استفاده خود را از عشق و محبت و علاقه کادر ها و اعضا حزب به کمونیسم و رهبران و مسولین آن در هر جهتی که روزانه عشقشان میکشد بکنند. لطفا توجه کنید و بینید این چشم بندی نیست که حزب و ارگانهای رهبری يك حزب

را، با اسناسنامه يك حزب ديگر، دور بزنيد و كادر و عضو حزب را نفهم تصور كنيد، براي اينكه راي اش را بدست بياوريد؟ براي اينكه نشان بدهيد كه شما طرفدار كادر و عضو حزب هستيد و ما نيستيم! (به شاهكار اخير علي در مورد چرا كنگره ۵؟ چگونه فراخواندن كنگره ۱۵) كه ضميمه است توجه كنيد.

ميخواهيد به كنگره برويد ولي جالب اين است كه براي قانوني كردن آن داريد به تجارب "جنبش كمونيستي" دست ميبريد. كجاي اصول سازماني ما اين تعاريف شما و موازين شما براي كنگره آمده است؟ جواب بدهيد لطفاً به من نه به همان كادر و اعضايي كه شما را قبول دارند.

ميخواهيد كنگره برگزار كنيد مشغول همان كاري ميشويد كه مدتي قبل در آلمان كرديد و طومار جمع ميكنيد و امضا جمع ميكنيد، به اعضا و كادر هاي اين حزب جواب بدهيد كجاي اصول سازماني ما اين آمده است؟ هر چه شما بگوييد ديگران بايد انجام بدهند؟ هر ماجراجويي را بايد بپذيرند؟ آيا كادر و عضوي كه يك لحظه به اينها فكر كند به حال و روز حزب و رهبراني مثل شما كه حزب براي تان اسباب بازي شده است تاسف نميخورد؟ ميخواهيد با طومار جمع كردن كنگره بگيريد؟ حميد تقوايي هم قرارش را داده است كه تا ۴۸ ساعت اين قرار تصويب نشود او آنرا اجرا خواهد كرد (رفقا! حزب را ابتدا به هم ميريزيد بعد داريد قانونش را مياوريد تصويب كنيد؟ جالب است بگويم كه من شخصاً بيش از ۷۲ ساعت است كه ميشنوم شما داريد امضا جمع ميكنيد. رفقا با كادر و عضو حزب و با حزب اينگونه رفتار زننده است، شايبه ما نيست و به همين دليل ما اين اجازه را به شما نميدهيم)

ميخواهيد كنگره بگيريم و لي به اسناسنامه حزبي كه ۱۲ سال پيش آنرا ترك كرديم مراجعه ميكنيد؟ اين چشم بندي نيست؟ آدمي جدي بايد اين را از شما بپذيرد؟ اسناسنامه حزب كمونيست ايران را ما حتي اسمش را هم بر نداشتيم و قرار شد همه موازينمان را متمدن همين اصول سازماني مان بكنيم شما با چه جسارتي دست به انبان سازمان ديگري برديد كه از همان روز اول حزيمان اسناسنامه اش را پرت كرديم. اين فضا اين اجازه را به شما ميدهيد، حمايت اعضا و كادرهائي كه شما را قبول دارند اين اجازه را به شما داده است؟

و از اینکه می‌گوییم واقعا نمیدانید حزب یعنی چه و بدر چه می‌خورد برآشفته میشوید؟) موضوع و بحث اساسنامه در بعد از کنگره ۱ که ایرج آذرین مسئول تهیه آن شد و بحث اصول سازمانی از طرف نادر در نقد و در تقابل با آن در آمد هم تجربه مهمی برای کسی است که بخواهد تاریخ این حزب را بداند و امروز شما دارید به آن برمیگردید) علی جان!

هر جعلی میکنید و هر چشم بندی در مورد نشان دادن اینکه ما اهمیتی برای کادر و عضو قایل نیستیم انجام بدهید، لابد همه این رفقا هم تشخیص دارند، ولی دیگر دست به انبان سازمانهای دیگر نبرید که برای ما اساسنامه تنظیم کنید. اعضا و کادر های این حزب این را هم تشخیص میدهند. شما کارتان را که جمع کردن امضا میباشد ادامه بدید قرار هم تصویب نشد مهم نیست. این کار بهتری است تا اینکه در جریان اختلافات درونی ما به اساسنامه يك سازمان دیگری متوسل شوید! این کار شخصا برای من و همه اعضا و کادرهای این حزب و رهبریش فکر میکنم هزار بار کسر شان است. به پلنوم بیایید مطمئنن باشید میتوانیم برای این مشکل شما و حزب هم، راهی بیابیم و اصول سازمانی حزب را با همان تصور و منطق کمونیستی و کارگری دارای ضامی کنیم که بتوانیم در همان زمان مناسب برای حزب و جنبشمان کنگره ۵ را هم برگزار کنیم. به پلنوم بیایید و البته امضا جمع کردن را هم ادامه بدید که چند روز است در جریان است. فکری هم برای اعضا و کادرهای داخل بکنید که امضا هایشان از قلم نیافتد! وای به حال حزبی که سکانش دست شما باشد.

چرا کنگره ۵؟

چگونگی فراخواندن کنگره ۵!

علی جوادی

حزب کمونیست کارگری ایران در یکی از خطرناکترین دوران تاریخ حیات خود بسر میبرد. گرایشی راست موجودیت این حزب را به گرو گرفته است. تهدید میکنند. توهین میکنند. اتهامات جنگ

سردی پرتاب میکنند. از چهره های اصلی منتقد نظراتشان شیطان سازی میکنند. رویدادهای حزب را جعل و وارونه میکنند. سمینارهای هیستریک و عصبی برگزار میکنند. در مقابل آرامش و متانت ما، داد و فریاد میزنند. و بالاخره شمشیر تهدید خود را بر بالای سر پلنوم کمیته مرکزی قرار داده اند. رسماً میگویند "یا راه ما یا خداحافظ" (Either my way or highway!). ظاهراً میخواهند این تهدید را در پلنوم ۲۱ به کرسی بنشانند و تازه این روش خود را مصداق سنت منصور حکمت قلمداد میکنند. واقعا تلخ و تاسف آور است.

حزب تسلیم این گروکشی و تهدید نخواهد شد!

همه این شرایط اما حزب را در موقعیتی بسیار خطیر قرار داده است. وضعیت کنونی قابل دوام نیست. عملکرد این جریان راست حزب را از کار و فعالیت اصلیش باز داشته است. باید به سرعت این وضعیت خاتمه داد. و این وظیفه همه و تک تک اعضای این حزب است. تنها ظرفی که اعضای حزب میتوانند در تعیین سرنوشت حزب شریک شوند و سهم و نقش تاریخی خود را ایفا کنند، کنگره حزبی است. کنگره ۵ در این شرایط راه حل پایه ای برای تعیین تکلیف با این وضعیت ویژه در حزب است.

چرا کنگره و نه پلنوم؟ پلنوم را باید برگزار کرد. اما پلنوم قادر به حل معضل کنونی حزب نیست. فلجی که گرایش راست به بالاترین ارگانهای رهبری و هدایت حزب تحمیل کرده است در پلنوم کمیته مرکزی قابل حل نیست. اما در کنگره میتوان به این وضعیت خاتمه داد! کنگره ارگان مافوق پلنوم کمیته مرکزی است و تنها ظرفی است که میتواند در شرایطی باز و آگاه از قضایا به تعیین تکلیف با این وضعیت بیانجامد و انسجام حزب را به آن برگرداند. کنگره عالیترین مرجع حزبی است. کنگره ظرفی است که تمامی اعضا و کادرهای حزب میتوانند در تعیین سرنوشت حزب شریک و سهم شوند. رویگردانی از کنگره، تبلیغ علیه کنگره، عدم تبعیت از بالاترین ارگان حزب کمونیست کارگری است. برای عبور از این شرایط باید کنگره ۵ را در اسرع وقت برگزار کرد.

چگونگی فراخواندن کنگره

اما چگونه میتوان کنگره حزب را فراخوان داد؟ در تاریخ سنت و جنبش ما کنگره به چند شکل فراخوان داده میشود.

۱- در شرایط عادی معمولاً بالاترین ارگان رهبری حزب حداقل هر دو سال یکبار فراخوان کنگره حزب را میدهد.

۲- در شرایط فوق العاده >> کمیته مرکزی میتواند دعوت به تشکیل کنگره فوق العاده بنماید. _
از اساسنامه حزب کمونیست ایران)<<

۳- و یا «چنانچه ۱\۲ اعضای حزب خواستار تشکیل کنگره فوق العاده باشند، کمیته مرکزی موظف به فراخواندن آن میباشد. _ از اساسنامه حزب کمونیست ایران»>>

اما در شرایطی که بخشی از اعضای کمیته مرکزی کنگره ۵ را "مراسم کفن و دفن" حزب مینامند، عملاً روشن است که ارگان کمیته به اتفاق آراء نمیتواند کنگره را فراخواند. اکنون کنگره خود به یک موضوع مورد جدل و مشاجره تبدیل شده است. در این شرایط اعضای حزب میتوانند دخالت کنند. میتوانند با جمع کردن طومار نظر خود را مبنی بر تشکیل کنگره ابراز کنند و ارگانهای رهبری حزب موظفند که این خواست اکثریت اعضای تشکیلات را، حتی در صورتیکه خود مخالف آن باشند، عملی کنند. این بازتاب دموکراسی مستقیم و شورایی در ساختار حزب است. "هر زمان که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند." سنت حزبی ما کنگره اضطراری را دقیقاً برای چنین شرایط تاریخی پیش بینی کرده است.

پیش بسوی کنگره ۵ !

زنده باد حزب کمونیست کارگری !

۱۶ اوت ۲۰۰۴